



• یک شنبه • ۱۹ فروردین ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۱۲

حدیث روز

هیچ بنده‌ای نیست که خود را وقف خدا کند مگر این که خداوند او را به بهشت درمی آورد.

امام صادق(ع)، امالی

در محضر بزرگان

تا جوان هستی توبه کن

استاد شهید مرتضی مطهری درباره اهمیت توبه در جوانی گفته‌اند:

«تا جوان هستی، می گویم «هنوز جوانیم!» در میانه راه هم که می گویم «حالا خیلی وقت داریم. توبه وقتش پیری است، وقتی که پیر شدیم از همه کارها افتادیم و همه قدرت‌ها از ما گرفته شد، آن وقت توبه می کنیم.» نمی‌دانیم که اشتباه می‌کنیم؛ آن وقت اتفاقا هیچ توبه‌ای نمی‌کنیم، آن وقت دیگر حال توبه برای مان نمی‌ماند، آن قدر زیر بار گناهان کمر ما خم شده است که دیگر دل ما برای توبه کردن حاضر نیست. دل یک جوان آماده‌تر است برای توبه کردن تا دل یک پیر.»

غلط نویسیم

طوفان یا توفان

بعضی به گمان این که کلمه «طوفان» فارسی است آن را به صورت «توفان» می‌نویسند و حتی بعضی از فضلا توصیه کرده‌اند که صورت اخیر به کار رود، اما اصل این دو کلمه و معنای آن‌ها یکی نیست. «طوفان» کلمه عربی (ظاهرا از اصل یونانی) و به‌معنای «باد و باران بسیار شدید» است، ولی واژه فارسی «توفان» صفت است و به معنای «غُرَاز، دمان» است و ربطی به «باد و باران بسیار شدید» ندارد. این واژه صفت فاعلی از مصدر توفیدن به‌معنای «فَرِیاد بلند کشیدن» یا «غُرَیدن و خروشدن» است: ز آواز گردان بنفوذ کوه زمین‌شد نعل ستوران ستوه (فردوسی) واژه «توفنده» به معنای «غُرَنده و خروشنده» نیز از همین فعل مشتق شده است.

غلط نویسیم، ابوالحسن نجفی

حکایت

آخرین آرزوی سقراط

پیش از آن که سقراط را محاکمه کنند، از وی پرسیدند: «بزرگ ترین آرزویی که در دل داری چیست؟» پاسخ داد: «بزرگ ترین آرزوی من این است که به بالاترین مقام آن صعود کنم و با صدای بلند به مردم بگویم که ای دوستان چرا با این حرص و ولع، بهترین و عزیز ترین سال ها ی زندگی خود را به جمع کردن ثروت و سیم و طلا می گذرانید در حالی که آن گونه که باید و شاید در تعلیم و تربیت اطفال تان که مجبور خواهید شد ثروت خود را برای آن ها باقی بگذارید، همت نمی گمارد؟»

اندکی صبر

دوست نداشتن!

اگر مرا دوست نداشته باشی دراز می کشم و می میرم
مرگ نه سفری بی‌بازگشت است
و نه ناگهان محو شدن
مرگ دوست نداشتن توست
درست آن موقع که باید دوست بداری



دنیا به روایت تصویر



تلگراف | نقاشی دیواری در هندوستان

فتونکته



دور دنیا

پسر هندی که بدنش برق دارد!



آدیتی سسترنال – پسر ۹ ساله هندی که تازگی مورد توجه رسانه ها قرار گرفت. او می تواند با لمس لامپ LED باعث روشن شدن آن شود.او تا کنون متوجه خاصیت الکتریسته بدنش نبود تا این که با پدرش برای خرید لامپ به بازار رفت و هنگامی که لامپ ها را در دستش گرفت، همگی آن ها روشن شدند!

پدر او که به عنوان متخصص برق کاری می کند، می گوید تا کنون چنین چیزی را ندیده است.

راکن های زامبی!



چاینا دیلی – پلیس چین اخبار عجیبی مبنی بر رفتار عجیب راکن هایی دریافت کرده است که از نظر عموم مردم، زامبی هستند! این راکن ها تمام شب را بیدارند و گاهی به خانه های مردم برای غذا حمله می کنند. اما در طول روز جیغ می زنند و ناگهان روی زمین می افتند! پلیس چین و دام پزشکان در پی یافتن علت این اتفاق هستند.

هنرمندی با استفاده از بال پروانه



آدیتی سسترنال – یک دانش آموز هنرمند چینی از بال های ۵۰۰ پروانه برای خلق اثر هنری اش استفاده کرد، اما بعد از این که آثارش را به نمایش گذاشت، توسط مردم و رسانه ها سرزنش شد. عده ای ذهن او را بیمار خواندند که برای یک اثر هنری ۵۰۰ پروانه را کشته اما

او اظهار کرده است برای ساخت آثار هنری ونگوگ بهترین ایده هنری استفاده از بال های پروانه بوده است و این حرف ها برایش اهمیتی ندارد.

اینستاگردی

سر و ته یا درست؟

هومن سیدی، بازیگر و کارگردان جوان زیر این عکس سر و ته از خودش در صفحه اینستاگرامش، متنی از شل سیلوراستاین را نوشته است: «هر وقت توی آب په آدمی رو می بینم که سروته وایساده، نگاش می کنم و هر هر می خندم. گوا این که نباید این کار رو بکنم، چون شاید توی دنیای دیگه ای، در زمان دیگه ای، در جای دیگه ای، چه بسا درست وایساده همون آدم، و این منم که سر و ته وایسام!»

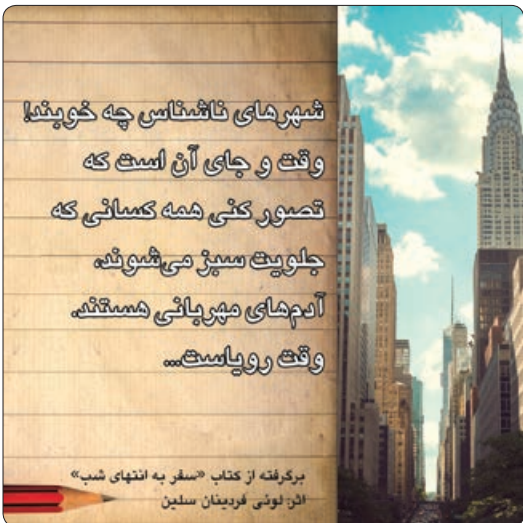


گتی امیج| جشن بازگشت پرندگان مهاجر از مناطق سردسیر، مسکو

شبکه های اجتماعی

• دیروز رقتیم رستوران و عکس آپلود نکردم اینستا و نصف بدنم الان قلجه!
• بعضی مواقع که به صدای ضبط شده خودم گوش میدم، دلم می خواد از هر کسی که توی عمرم باهاش حرف زدم حالایت بطلبم!
• این قدر که با جوجه کباب عکس دارید، با مامان و باباتون هم دارید؟!
• اگه بدونین واسه یک قوطی شیر خشک، چند تا شیر می کشن و خشک می کنن، دیگه از این محصول حمایت نمی کردین!
• به میوه فروشه میگم این فلفل ها تند که نیست؟ گفت نه بابا! گفتم ولی من فلفل تند می خوام! گفت تند بابا، دروغ گفتم!
• کارشناس فوتبال بودن هم شغل خوبییه ها. کلا ۲۰ ثانیه وقت داری بازی رو تحلیل کنی، بعدش هم پولت رو می گیری میری خونه!
• بهار این جوریه که بعد از ۱۰ ساعت خواب پا میشی میگی چقدر خسته‌ام، یک چرت بز نم خستگیم دربیاد!
• آش رشته تنها جایی بود که گیاهان موفق شدن بدون کمک گوشت و خودشون به تنهایی طعم مطبوعی تولید کنن. بقیه تجر به‌هاشون به شکست مطلق منجر شد!
• یک چوری اسمش سبزی خوردنه، انگار مایقه سبزی هارو برای مطالعه بیشتر می خریم!
• واقعا تو هوای به این خفتی ما نباید سر کار باشیم. باید تو آغوشش باشیم... آغوش تخت‌مون!

بریده‌ها



ترساک

آب جوش بدبو

محمد علی محمدپور امروز نامه نگار

حمید دو ماهی می‌شد که در آشپز خانه کار می کرد. آخر شب با تاکسی برمی گشت خانه‌شان که حاشیه شهر بود. آن شب هم سوار تاکسی شده بود. توی مسیر یک پدر و پسر هم سوار شدند. پسر بچه سر و صورتش باندپیچی شده بود، انگار که سوخته باشد. بدن پسر بچه بوی خاصی می داد که به نظرش آشنا می آمد، بویی مثل بوی گوشت فاسد. خوب که دقت کرد یادش آمد سر شب که آب جوش یکی از دیگ‌ها را به علت بدبو بودن گوشتش روی زمین خالی کرده بود، همین بو آشپزخانه را پر کرده بود. کاملاً گیج بود که یک لحظه به شک افتاد ایا موقع خالی کردن آب جوش بسم ا... گفته یا نه؟ حمید نگاهش را به راننده دوخت و خواست بگوید پیاده می‌شود، اما راننده سمش را گذاشته بود روی پدال گاز و همچنان گاز می‌داد. بیرون را که نگاه کرد شهر تمام شده بود.

باستخمسابقه این کیه؟

وطنم وطنم وطنم!



سلام. قبل از هر چیز باید اعلام کنیم که از این فته مسابقه «این کیه؟» و کاریکاتور برنده مسابقه قبلی پنج شنبه ها چاپ میشه و پاسخش و نام برنده هم یک شنبه ها. این هم کاریکاتور کامل شخصیت مسابقه شماره ۷۵ «این کیه؟» آقای «سالار عقیلی» خواننده خوب کشورمون. حتما همه ما دست کم یکی از آثار زیبای ایشون رو شنیدیم و به یادمون مونده. جالبه بدونیم ایشون مدرک کارشناسی در رشته بازیگری تئاتر دارن، و همسر و پسرشون هم در زمینه مو سیقی فعالیت می کنن و ایشون اولین خواننده در تاریخ موسیقی ایران هستن که حنجره اش بیمه شده. چند نفری «مهدی یغمای» رو تو کاریکاتور دیده بودن که حق داشتن، خیلی شبیه هم هستن! برنده این مسابقه آقای «حسن داسی» ۳۴ ساله از سبزوار و کارمند هستن که حساب تعداد دفعتی که تو مسابقه شرکت کردن از دستشون در رفته! البته این مسابقه رو با کمک همکارهاشون پاسخ دادن و هنوز دو دل بودن که عکس خودشون رو برای کشیدن کاریکاتور بدن یا عکس دخترشون رو. به سوال اساسی هم داشتن که «آق کمال واقعیه یا تخیلی؟» که خود آق کمال جواب خواهد داد! بهشون تبریک می گیم و به امید خدا پنج شنبه همین هفته و در مسابقه بعدی، عکس و کاریکاتور شون رو می تونید همین جا ببینید. خوش باشید.



یاهو | فیلبانی در حال شستن فیلش در رودخانه، دهلی

دی روز نامه

سانسور، بدون درد و حالت تهوع



علیرضا کاردار اطنز پرداز

زمانی سانسور در تلویزیون خیلی گل درشت و بی سلیقه انجام می‌شد. به این صورت که در سریال‌های خارجی، هر دختر و پسری که با هم حرف می‌زدند یا می‌خندیدند یا حتی به هم نگاه می‌کردند، حتما در جای جای صحبت‌ها و وسط خنده‌ها و حتی توی دل‌شان باید یکدیگر را خواهر و برادر صدامی‌زدند تا خیال‌مان راحت شود. اگر این وسط یک بچه دیده می‌شد، برای راحتی خیال‌مان‌هی باید آن‌دورا مامان و بابا صدا می‌کرد. یا اتفاقات فیلم‌ها و سریال‌های خارجی حتما باید در فصل زمستان رخ می‌داد و برف به زیر زانوی بازیگران می‌رسید و شال و کلاه می‌کردند و آن قدر پالتوهای‌شان را سفت دور خودشان می‌پیچیدند که بچه‌های دهه شصت تا مدت‌ها فکر می‌کردند خارج یعنی جایی که مردمش مثل اسکی‌بوها زندگی می‌کنند و اصلا بهار و تابستان ندارند!

بعد که تکنولوژی پیشرفت کرد، روش سانسورها هم عوض شد. مثلا یکپهو می‌دیدیم و وسط فیلم تصویر زوم شده روی سوراخ دماغ هر کول پوارو. چرا؟ چون پشت سرش ناگهان خانمی تصمیم گرفته بود از عرض خیابان رد شود، آن هم وسط چله تابستان! یا اگر چهره خانم مارپل خیلی براق و رنگی بود، هر وقت دوربین روی صورتش می‌رفت رنگ از رخسارش می‌پرید و شبیه میت می‌شد و ترس برمان می‌داشت که بیه! اینم مرء! به‌مرور به آن مرحله از پیشرفت دست یافتیم که توانستیم به جای بازیگران، اشیا را وارد فیلم نامه کنیم تا جور پوشش و حرکات و سکات منشوری آن‌ها را بکشند. مثلا تام کروز همیشه عادت داشت در فیلم‌هایش پشت نردبان، گلدانی کنارش باشد و با یک ابازور صحبت کند. یا با کمک متخصصان برای بازیگران لباس طراحی کنیم و به رغم میل باطنی‌شان، وسط بهار بقه اسکی نشان کنیم تا سرما نخورند. یا در مسابقه ورزشی، یک فریم در میان، صحنه آهسته کودکی را که دست توی دماغش می‌کند ببینیم.

این هم گذشت تا رسیدیم به این روز‌ها که وارد مرحله جدیدی از سانسور شده‌ایم که اگر به رویمان نیاورند، اصلا نخواهیم فهمید چی شده است، مثلا لوگوی یک تیم ورزشی را تغییر جنسیت می‌دهیم، یا حرف های مهمان یک برنامه را طوری قطع می‌کنیم که منظورش صد و هشتاد درجه عوض می‌شود، یا کلا یک سکاس از یک سریال را قیچی می‌کنیم که اگر خود عوامل سریال نگویند چه بلایی سرش آمده، به عقل احداثاسی نمی‌رسد که چی به چی بوده! به هر حال همه‌ای صنعت و تکنولوژی، سانسور و فیلترینگ هم باید رشد کند دیگر.

فتوشعر



ما و شما

• ستون از اون لحاظ داشتن، دیروز هم ستون از این لحاظ اضافه کردین. می‌ترسم تا آخر سال همشهری سلام بشه «از کدوم لحاظ؟»
• معصومه عزیزم، همسر مهربانم، ۲۰ فروردین، سالروز تولد تو را که مثل فرشته‌ای به زمین آمدی تبریک می‌گویم. امیدوارم همیشه شاد و خوش در کنار من و ندا کوچولومون بمونی.
• مطلب «کی از آینده خبر داشت» خوب بود. باز هم از این‌ها در زندگی سلام چاپ کنید.
• مقتراسمایی • مقدر تبلیغ چاپ می‌کنید؟ در سال جدید باز روز از نو و تبلیغ از نو؟!
• کاش در این هوای خوب بهاری، قدر آب، این مایه حیات زمین را بدانیم تا در تابستان برای یک جرعه آن دلتنگ نشویم.

